

پشتیبانی از سازمان مجاهدین در مقاله ای از روزنامه اسرائیلی هآرتز

به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۶ با ترجمه و متن کامل آن

یادداشت:

ما این مقاله را در درجه اول برای اطلاع عموم پخش می کنیم و طبعاً نمی توانیم هیچ داوری دقیقی درباره صحت و سقم روابطی داشته باشیم که بین آمریکا و اسرائیل، و انواع «اپوزیسیون» ایرانی از جمله سازمان مجاهدین وجود دارد (و چه خوب بود اگر خود مجاهدین در این باب نظری می دادند). سالهاست که آمریکا بنا به مصالح و نظر خویش، و اساساً برای اعمال فشار بر رژیم ایران انواع «آلترناتیو» ها را از داخل و خارج "در آب نمک خوابانده است". هرچند می دانیم که هیچ یک از آنها به لحاظ طبقاتی و اعتبار مردمی، در چارچوب تناوب (از نوع احزاب بورژوازی راست و "چپ" حاکم بر اروپا) هم نمی گنجد تا چه رسد به اینکه آلترناتیو رژیم سرمایه داری میلیتاریستی مذهبی و ارتجاعی ایران باشند.

در قرن بیستم سه جنبش بزرگ توده ای در ایران رخ داده تا دست استعمارگران و امپریالیست ها از مداخله در سرنوشت مردم ایران قطع گردد. اما حالا آب چنان سر بالا می رود که برای «آزادی ایران!» (یعنی رسیدن برخی به مقامی) دست به دامن جنایتکارترین قدرت های تاریخ می شوند تا مانند چلیپی ها ایران را هم مانند عراق و افغانستان و فلسطین و لبنان و... ویران تر کنند. زمانی "اخلاق سیاسی" یادآور این شعر والای حافظ بود که می گوید:

"من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم/ که گاهگاه بر او دست اهرمن باشد"

اما حالا دست اهریمن مشروعیت بخش و مبارک است! با خواندن مقاله هآرتز، سؤالی که برای خواننده پیش می آید این است که سازمان مجاهدین برای جلب اعتماد محافل آمریکایی و اسرائیلی تا کجاها رفته است؟ چون برخلاف "چپ" های ساده انگار که به راحتی مرزهای طبقاتی را فراموش می کنند، نیروهای بورژوازی و ارتجاعی (آنها امپریالیسم آمریکا و...) بسیار سختگیر اند و به آسانی به کسی اعتماد نمی کنند.

به نظر ما آرزوی کنار زدن باند جانیان و دزدان حاکم بر ایران با دستیاری جانیان بزرگ کاخ سفید تکرار جنایتی ست که چلیپی ها در عراق آتش بیار آن بودند. رژیم جمهوری اسلامی و نیز این دست مخالفانش هر دو بدتر اند! و اگر این سخن حق، فالانژهای هر دو طرف را می آزارد، چه باک؟

باری، وقتی طرح سیاسی بزرگی، از نوع تغییر رژیم سیاسی، در دستور کار جامعه ای قرار می گیرد طبیعی ست که در صفوف مخالفین نیروهای گوناگون و حتی متضادی وجود داشته باشند که هرکدام با اهداف خاصی راه سرنگونی رژیم حاکم را دنبال می کنند. آنچه نباید در این میان فراموش کنیم این است که خطوط و مرزهای طبقاتی، فکری و عملی خود را روشن کنیم و به بهانه اینکه همه در صف مخالفان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هستیم به سکوت و سازشکاری درنغلتیم. در زمان مخالفت و مبارزه با رژیم شاه، به همین بهانه، از انتقاد از روحانیت و اهداف آن کمتر خبری بود و در دوره کنونی از انتقاد از مجاهدین و سلطنت طلبان و... نه تنها کمتر سخنی در میان است بلکه به نام دموکراسی و لائیسیت، مدرنیته (!) و مخالفت با رژیم، راه برای انواع

سازش های اصولی، راه برای انواع حقارت و جاسوسی و خیانت باز شده است. در بین به اصطلاح "اپوزیسیون چپ" هم که در گذشته ای دور با مارکسیسم نرد محبت می باخت صد جور تواب واقعی داریم با ادعاها و معلق زدن های مضحک که البته هرگز مورد انتقاد از خود، قرار نگرفته است.

اما به اعتقاد ما رژیم سرمایه داری مذهبی حاکم بر ایران را با مبارزه توده ای و انقلابی قاعدتاً قهرآمیزی که در خدمت نظری و عملی زحمتکش ترین طبقات و اقشار جامعه و به ویژه کارگران باشد می توان و باید سرنگون کرد. روشن است که بدون کار کردن در ابعاد مختلف نظری و عملی و بسیج نیروی توده ای و صداقت و جدیتی که کمیاب شده است، این طرح بخت تحقق نخواهد یافت.

تراب حق شناس - اکتبر ۲۰۰۶

سرانجام، آمریکا حمله خواهد کرد

نوشته یوسی ملمان Yossi Melman

* «اسرائیل توان نظامی کافی برای حمله به تمام تأسیسات هسته ای ایران ندارد. تنها ایالات متحده آمریکا می تواند چنین کند.»

* «ولی نه ایالات متحده و نه اسرائیل نباید چنین کنند.»

* «برخورد نظامی مشکل را حل نخواهد کرد.»

* «با وجود این، من پیش بینی می کنم که ایالات متحده در دوره حاکمیت دولت جمهوری خواه بوش یا جانشین اش، با این گزینش که به ایران حمله کند یا نه رو به رو خواهد بود، بلکه با این گزینش رو به رو خواهد شد که کی حمله کند.»

* «یک رئیس جمهور از حزب دموکرات هم با همین گزینش رو به رو خواهد بود ولی حمله نخواهد کرد.»

این اظهارات پروفیسور ریچارد تانتر، استاد دانشگاه جرج تاون و رئیس کمیته بررسی سیاست ایران است، کمیته ای که وضعیت گروه های مخالف رژیم ایران را مطالعه می کند و به این نتیجه رسیده است که حمایت از مجاهدین خلق به سود آمریکا ست. مجاهدین خلق یک نیروی شبه نظامی (میلیشیای) مناقشه آمیز ایرانی ست که با رژیم آیت الله ها مخالفت دارد. پروفیسور تانتر از نویسندگان کتاب «آرام کردن آیت الله ها و سرکوب دموکراسی: سیاست آمریکا و اپوزیسیون ایران» است.

تانتر و اعضای کمیته معتقدند تنها راه جلوگیری از دست یافتن ایران به سلاح اتمی این است که به جای رژیم مذهبی کنونی، رژیمی دموکراتیک جایگزین شود. به نظر آنها تنها مجاهدین می توانند چنین کنند.

باوجود این، سازمان مجاهدین با مشکلات متعدد مهمی رو به رو ست: ایالات متحده آن را سازمانی تروریستی اعلام کرده، اغلب ایرانی ها اعضای سازمان مجاهدین را خائن می دانند زیرا آنها در جریان جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ از صدام حسین جانبداری کرده اند. مجاهدین به دلیل آن که از پشتیبانی وسیعی در خود ایران برخوردار نیستند گروهی ضعیف محسوب می گردند. هفته گذشته، تانتر افکار و طرح خود را به ششمین کنفرانس مؤسسه مبارزه با تروریسم در کانون

چند رشته ای هرزیلیا و نیز در مصاحبه ای با هارترز ارائه کرد.

تانتز که ۶۷ سال دارد در روابط بین المللی بسیار برجسته است. وی در ۲۵ سالگی دکترای خود را دانشگاه ایندیانا به پایان برد. او متعلق به مکتبی ست که استفاده از مدل های ریاضی و مطالعات کمی را در تحقیقات بین المللی وارد کرد. او در دانشگاه های درجه اول آمریکا تدریس کرده و در سال ۱۹۷۴ به مدت یک سال در مؤسسه روابط بین المللی وابسته به دانشگاه عبری [در اسرائیل] کار کرده است (من خود در آن زمان شاگرد او بودم).

در فاصله بین این یا آن پست دانشگاهی، تانتز پست های متعددی در کاخ سفید و پنتاگون، به ویژه در دوره رونالد ریگان دارا بوده است. دوسال از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۲ عضو شورای امنیت ملی بوده و مسؤلیت پرونده لیبی و لبنان را داشته است. (از مأموریت های دیگر تانتز پیگیری سیاست اسرائیل بوده که به هجوم و تصرف لبنان در آن زمان انجامید.) وی عضو حزب جمهوری خواه و افکارش عمدتاً محافظه کارانه است. به عقیده او دولت جرج و. بوش به حد کافی محافظه کار نیست. اینک خلاصه نظرات او:

«اسرائیل توان نظامی کافی برای حمله به تمام تأسیسات هسته ای ایران ندارد. زیرا برای این کار نیاز به چنان نیروی هوایی ست که بتواند حملات مداوم و طولانی علیه تأسیساتی که تاکنون ناشناخته است انجام دهد و نیروی هوایی اسرائیل چنین توانایی ندارد. تنها ایالات متحده آمریکا می تواند چنین کند. در تحلیل نهایی ایالات متحده حمله خواهد کرد به شرط اینکه یک رئیس جمهوری از حزب دموکرات در کاخ سفید نباشد. اگر رژیم سیاسی در ایران تغییر نکند، یک دولت برخاسته از حزب جمهوری خواه احتمال بیشتری دارد که به ایران حمله کند چه موقعیت نظامی مناسب باشد چه نباشد.»

«اما حمله راه حل اصلی مسأله را به دست نمی دهد. حمله برنامه اتمی ایران را از بین نخواهد برد، بلکه آن را تنها به تعویق خواهد انداخت. برای آنکه برنامه اتمی به کلی متوقف شود ضروری ست که رژیم تغییر کند. چنین تغییری ممکن است و باید طی مدت کوتاهی رخ دهد. به محض اینکه نام مجاهدین خلق از لیست سازمانهای تروریستی که وزارت خارجه آمریکا تهیه کرده حذف شود، آنها می توانند پیش از آن که رژیم آیت الله ها به بمب اتمی دست یابد رژیم را عوض کنند.»

- این چقدر وقت لازم دارد؟

«من ارزیابی سازمانهای اطلاعاتی اسرائیل را که می گویند ایران طی یک تا سه سال آینده به بمب اتمی دست خواهد یافت بیش از نظر سیا قبول دارم.»

- آیا طی مدتی چنین کوتاه شما خواهید توانست کنترل ایران را به مجاهدین خلق بسپارید؟ چگونه؟ با حمایت موساد و سیا؟

«نه. پای سازمان های اطلاعاتی در هیچ شرایطی نباید به میان کشیده شود وگرنه حوادث ۱۹۵۳ [۲۸ مرداد ۱۳۳۲] و قضیه مصدق تکرار خواهد شد. (سیا و اینتلیجنت سرویس بریتانیا با انجام کودتایی باعث سقوط حکومت نخست وزیر وقت، مصدق، که صنعت نفت را ملی کرده بود شدند و محمد رضا پهلوی را دوباره به سلطنت نشانند - ی. م.). طرح ۱۰ ماده ای ما خط مشی کاملاً روشنی دارد:

وزیر خارجه، کندلیزا رایس، باید دستور حذف نام مجاهدین خلق را از لیست سازمان های تروریستی صادر کند. رهبران کنگره باید از مریم رجوی (رهبر جناح سیاسی و همسر رهبر سازمان مجاهدین - ی. م.) دعوت کنند تا در برابر کمیته های کنگره گواهی دهد؛ و پنتاگون هم باید

به سازمان اجازه دهد که از خاک عراق علیه رژیم ایران دست به عملیات بزنند.»

- اما رژیم ایران و رئیس جمهور احمدی نژاد در انتخابات دموکراتیک به قدرت رسیده اند.

«انتخابات فقط به لحاظ قانونی دموکراتیک بوده. شورای نگهبان رژیم اسلامی صدها کاندیدا را نپذیرفت و تنها به کاندیداهای خودش اجازه داد که در انتخابات شرکت کنند. چنین بود که احمدی نژاد به دلیل نبود کاندیدایی دیگر جز کاندیدایی آلوده به فساد یعنی رئیس جمهوری سابق، رفسنجانی، انتخاب شد. مردم یا باید یک قاتل را انتخاب می کردند یا یک کلاه بردار را. هشتاد درصد از واجدین شرایط رأی دادن در انتخابات شرکت نکردند. ما معتقدیم از زمانی که سازمان بتواند از عراق عملیات کند، نظر موافق مردم ایران را جلب خواهد کرد.»

«مردم برای تظاهرات به خیابان ها خواهند ریخت. این امر پیش از این در ۱۹۸۱ (خرداد ۱۳۶۰) زمانی که نیم میلیون از هواداران مجاهدین خلق به تظاهرات پرداختند رخ داد. رژیم دستور خواهد داد که با اعمال قهر تظاهر کنندگان را پراکنده و سرکوب کنند. کسانی که باید این دستورات را اجرا کنند بسیجی های مسلح و پاسداران هستند.. آن ها به سوی تظاهر کنندگان شلیک خواهند کرد و جنگ داخلی در خواهد گرفت. آنگاه در گیر و دار و اوج حوادث ارتش مداخله خواهد کرد تا جلوی خونریزی را بگیرد و آیت الله ها را از کار برکنار کند.»

- اما در چنان حالی هم هیچ تضمینی وجود ندارد که ایران برای دست یافتن به سلاح اتمی نکوشد. ما می دانیم که این آرزوی ملی ایرانیان است صرف نظر از هر ایدئولوژی و جهان بینی.

«مجاهدین خلق پیش از این اعلام کرده اند که به ساختن سلاح اتمی علاقه ای ندارند. اما چه اهمیتی دارد که ایران دموکراتیک بمب اتمی داشته باشد. اینکه اسرائیل یا هند سلاح اتمی دارند برای چه کسی اهمیت دارد؟»

- سازمان مجاهدین خلق را در دهه ۱۹۶۰ جمعی از دانشجویان که بینش مارکسیستی داشتند (۱) تأسیس کردند. آنها با رژیم شاه که سیاستی جانبدار غرب داشت مخالف بودند. آنها در جریان انقلاب اسلامی به آیت الله خمینی پیوستند. اما ترکیب اندیشه های مارکسیستی با اصول اسلام با طرح های وی جور در نمی آمد و گروه در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) از پایه های خود در ایران طرد شد. اعضای گروه مورد حمایت صدام حسین قرار گرفتند و او به آنها پایگاه و سلاح داد و آنها را قادر ساخت که در جریان جنگ ایران و عراق از خاک عراق دست به عملیات بزنند. این امر از دید غالب ایرانیان، حتی مخالفان رژیم، خیانت شمرده می شود.

پس از پایان جنگ، اعضای مجاهدین خلق مراکزی در پاریس برپا کردند و از آن زمان، هزاران فعال سیاسی و جنگجویان مخفی را از آنجا وارد کارزار کرده اند. در کارنامه آنها هم فعالیت های چریکی و هم تروریستی وجود دارد، مانند تصفیه فیزیکی افسران ارشد از جمله رئیس ستاد ارتش ایران و حمله به کاخ ریاست جمهوری در تهران (در سال ۲۰۰۰ زمانی که خاتمی بر سر کار بود). علاوه بر این، اعضای مجاهدین بودند که دو مرکز مخفی غنی سازی اورانیوم را که ایران اعلام نکرده بود و به همین دلیل تحت نظارت بین المللی قرار نداشت برملا کردند. وقتی ارتش آمریکا به عراق حمله کرد و آن را تصرف نمود سازمان را خلع سلاح کرد و ممنوع کرد که آنها از آنجا عملیات کنند.

دلیل اینکه سازمان مجاهدین را تروریستی معرفی کرده اند مبتنی بر وقایع چندی ست. گمان می رود که فعالین این گروه مظنون چند شهروند آمریکایی را در ایران، در زمان شاه به قتل رسانده اند. پروفیسور تانتر و همکارانش ادعا می کنند کسانی چنین کاری کرده اند فعالین مائوئیستی بوده اند که از رهبری سازمان تبعیت نمی کرده اند. دلیل دیگر، حمایت سازمان از اشغال سفارت

آمریکا در تهران به دست دانشجویان و به گروگان گرفتن ۵۲ تن از کارمندان آن است.

تانتر معتقد است که اسرائیل می تواند در به رسمیت شناختن و مشروعیت دادن مجاهدین کمک کند: «من از موساد نمی خواهم که به آنان بپیوندد و با آنها همکاری کند. پای موساد نباید به میان کشیده شود و اسرائیل باید کاملاً خارج از صحنه بماند. مجاهدین خلق خواهان چنین رابطه ای با اسرائیل نیستند. اما اسرائیل در ایالات متحده نفوذ دارد و می تواند از پشتیبانان و گروه فشار خود بخواهد کاری کنند که نام مجاهدین از لیست سازمان های تروریستی حذف گردد.

درعوض، اسرائیل دارد موضعی بی طرف می گیرد و چه حیف. اگر ما بخواهیم رژیم ایران را تغییر دهیم مجاهدین تنها بازیگر اند. اگر بخواهم از گفتهء چرچیل استفاده کنم باید بگویم مجاهدین بدترین گزینش اند، به استثنای همهء بدیل های دیگر.»

– حمایت شما از مجاهدین خلق به آن می ماند که همهء تخم مرغ هاتان را در یک سبد گذاشته باشید.

«نه. من تخم مرغ هایم را در سبد مردم ایران می گذارم نه در سبد تنها یک گروه.»

(ترجمه به فارسی برای اندیشه و پیکار – ۲۱ سپتامبر)

(۱) این تعبیر نویسنده دقیق نیست. (مترجم)

اینک متن اصلی از: <http://www.haaretz.com/hasen/spages/763287.html>

Ultimately, the U.S. will attack

By Yossi Melman

Israel doesn't have the military strength to attack all of" *
"Iran's nuclear installations. Only the United States can do that

"But neither the United States nor Israel should do so" *

"A military strike will not solve the problem" *

I nevertheless anticipate that the United States, under a" *
Republican administration of Bush or his successor, will face a

".choice of not whether but when to attack Iran

A Democratic president will also face that choice but" *

".will not attack

These statements were made by Prof. Raymond Tanter of Georgetown University and the head of the Iran Policy Committee, a group that studies Iranian opposition groups and has concluded that supporting the Mujahideen-e-Khalq (MEK) is in America's interest. The MEK is a controversial Iranian militia that is opposed to the rule of the ayatollahs. Tanter is the co-author of "Appeasing the Ayatollahs and Suppressing Democracy: U.S. Policy and the Iranian Opposition

Tanter and the members of the committee believe that the only way to prevent Iran from attaining nuclear weapons is to replace the religious regime in Iran with a democratic regime. In their opinion, only Mujahideen-e-Khalq can do that

However, the organization faces several significant problems: The United States has declared it a terror organization; most Iranians consider the members of MEK traitors, because they supported Saddam Hussein during the Iran-Iraq war in the 1980s; and they are considered a weak group, lacking broad support in Iran itself. Last week Tanter presented his thoughts and plan at the sixth conference of the Institute for Counter-Terrorism at the Interdisciplinary Center Herzliya, and in a conversation with Haaretz

Tanter, 67, is considered a genius in international relations. At the age of 25, he completed his doctorate at the University of Indiana. He belongs to the school that introduced the use of mathematical models and quantitative studies in international relations. He has taught at top American universities, and in 1974 he spent his sabbatical at Hebrew University's Institute for International Relations (in the interest of proper disclosure, I was his student at the time

Between one academic job and the next, Tanter filled several positions in the White House and the Pentagon, mainly during Ronald Reagan's presidency. For two years (1981–1982) he was a member of the National Security Council, in charge of Libya and Lebanon (among his other assignments, Tanter followed Israeli policy which led to the invasion at the time.) He is identified with the Republican Party and has for the most part held conservative opinions. In his opinion, however, President George .W. Bush's administration is not sufficiently conservative

And here is his viewpoint in a nutshell: "Israel does not have the military strength to attack Iran's nuclear installations. For that there is a need for aerial strength that will enable continuous and prolonged attacks against unknown sites, and the Israel Air Force does not have such capability. Only the United States can do that. In the final analysis, the United States will attack, on condition that there isn't a Democratic president in the White House. A Republican administration is more likely to attack in the absence of a political regime change policy, whether there are good .military opportunities or not

But attacking will not provide a fundamental solution to the" problem. It will not eliminate Iran's nuclear program, but will only delay it. In order to bring about a halt to the nuclear program, there has to be a regime change there. Such a change is possible and can take place within a short period of time. From the moment that the Mujahideen-e-Khalq is removed from the U.S. State Department's list of terror organizations, they will bring about regime change in less time than it takes the regime of the ".ayatollahs to obtain nuclear weapons

?How much time are we talking about

I tend to accept the assessment of Israeli intelligence rather" than that of the CIA, that Iran will have nuclear weapons within ".one to three years

And during such a short period of time will you be able to

give Mujahideen-e-Khalq control over Iran? How? With the support
of the Mossad and the CIA

No. Intelligence organizations must under no circumstances be involved. Otherwise it will be a repeat of 1953 and the Mossadegh affair [the CIA and the British M16 organized a coup that removed prime minister Mossadegh, who had nationalized the oil industry, and brought back Mohammed Reza Pahlavi as Shah - Y.M.]. Our 10-point plan has clear guidelines: U.S. Secretary of State Condoleezza Rice should declare the removal of Mujahideen-e-Khalq from the list of terror organizations, Congressional leaders should invite Maryam Rajabi [the head of the political arm of the organization, and the wife of its leader - Y.M.] to testify before the congressional committees; and the Pentagon should allow the organization to operate from Iraq
against the regime in Iran

But the regime in Iran and President Mahmoud Ahmadinejad
were elected in democratic elections

The elections were democratic only de jure. The council for the defense of the Islamic regime rejected hundreds of candidates and allowed only its own candidates to participate in the elections. That's how Ahmadinejad was elected by default when the corrupt candidate, former president Rafsanjani, opposed him. It was a choice between a killer and a crook. Eighty percent of those eligible to vote did not participate in the elections. We believe that the moment the organization is able to operate from Iraq it will
gain public favor in Iran

People will go into the streets to demonstrate. That happened already in 1981, when half a million Mujahideen-e-Khalq supporters did that. The regime will order the demonstrators dispersed by force and suppressed. Those who will try to carry out the order are the Basaji, the armed street militia of the Revolutionary Guards. They will shoot at demonstrators, a civil war will break out, and then in the heat of the events the army will intervene, stop the bloodshed, remove the ayatollahs and take

But even then there will be no guarantee that Iran will stop trying to obtain nuclear weapons. We know that this is an Iranian national ambition, regardless of ideology and world view

Mujahideen-e-Khalq have already declared that they are not interested in manufacturing nuclear weapons. But no one cares if a democratic Iran has nuclear weapons. Who cares if Israel or India has nuclear weapons

Mujahideen-e-Khalq was founded in the 1960s by Iranian students with Marxist views, who were opposed to the Shah's pro-Western policy. They joined Ayatollah Khomeini in the Islamic Revolution, but the combination of Marxist ideas and the principles of Islam did not accord with his plans, and in 1981 the group was expelled from its bases in Iran. The members of the group came under the wing of Saddam Hussein, who gave them bases and weapons and enabled them to operate from Iraqi territory during the Iran-Iraq war. This act was seen as betrayal by most of the Iranians, even opponents of the regime

At the end of the war, the members of Mujahideen-e-Khalq established headquarters in Paris, and since then they have been activating thousands of activists and underground fighters from there. They have guerrilla and terrorist activities to their credit, such as the elimination of senior officers, including the chief of staff of the Iranian army, and an attack on the presidential palace in Tehran (in 2000, during the term of President Khatami.) In addition, it was members of the organization who discovered the two secret plants for enriching uranium that Iran had not declared, and which were therefore not under international supervision. When the U.S. Army invaded Iraq, it disarmed the organization and prohibited it from operating

The reason why Mujahideen-e-Khalq is defined as a terror organization is based on several incidents. The group's activists are suspected of the murder of U.S. citizens on Iranian soil during

the period of the Shah. Prof. Tanter and his associates claim that those who carried out the acts were Maoist activists who did not obey the leadership of the organization. Another reason is its support for the takeover of the U.S. embassy in Tehran by Iranian students and holding its 52 employees as hostages

Tanter believes that Israel can help legitimize Mujahideen-e-Khalq: "I'm not asking the Mossad to join them and cooperate with them. They should not be involved, and Israel should stay out of the picture. Mujahideen-e-Khalq do not wish such a tie with Israel. But Israel has influence in the United States. It has supporters and a lobby and it can ask them to have MEK removed from the State Department's list of terror organizations

Instead, Israel is taking a neutral stance, and that's a pity. Mujahideen-e-Khalq is the only game in town if we want to bring about regime change in Iran. To paraphrase Churchill's words about democracy, I think that Mujahideen-e-Khalq is the worst option, except for all the other alternatives

Your support for the MEK seems like putting all your eggs in one basket

No, I put my eggs in the Iranian people, not in a single group